

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید موسی عثمان "هستی" – مارک توین افغانی
تورونتو – ۲۸ سپتمبر ۲۰۰۹



ندارد سود این جنگهای زرگری

ندارد سود این جنگ های زرگری
نسازید به خسر مرده پالان زری
چه خوش گفته اند کابلیان از قدیم
سفید چشم دارد هم نری و هم غری

نوشته آقای عبدالرحیم خان عزیز را تحت عنوان « به "افغان جرمن آنلاین" آقای قیس کبیر» در سایت وزین افغانستان آزاد خواندم. گفتم موقع آن است که این طنز را به اجازه فاضل محترم داکتر صاحب عبدالرحیم خان عزیز، منتقد شجاع، بنویسم.
آقای عبدالرحیم عزیز از نویسندگان و منتقدان باجرات و شجاع سایت "افغان جرمن"، بود که حالا در سایت خودش سایت "افغانستان آزاد"، می نویسد. چندی قبل یکی از نویسندگان سایت افغان جرمن، نوشته اقا صاحب را در سایت "افغانستان آزاد" خوانده بود.
ناوقت شب به من تلفون کرد و گفت:

من نوشته آقای عبدالرحیم عزیز را خواندم از شما بنام یک "بد زبان" مثال داده بود، خیلی ناراحت شدم. مگر کس دیگری در تمام سایت اینترنتی نبود که از شما نام برده؟ من به آن کس که به حق من گویا دلسوزی کرده بود گفتم: اجازه بدهید که من نوشته آقا صاحب را یک مرتبه بخوانم. اگر شماره تلفون خود را می دهید من دوباره تماس می گیرم و اگر دادن شماره خود را لازم نمیبینید، یک نیم ساعت بعد تلفون بزیند. خنده کرد، که من دیگر گفتنی ندارم، که دوباره تلفون بزینم. اگر کسی نوشته دفاعی شما را نشر نمی کند، به سایت جرمن جرمن بنام "شیر حمله" ارسال کنید، آقای قیس کبیر حتماً به نشر می رساند. من با وجودی که نوشته را نخوانده بودم، از حرفهای این آقا دانستم که یک توطئه است. گفتم محترم من نوشته آقای عبدالرحیم عزیز را نخوانده ام، ولی می دانم که آقای عبدالرحیم عزیز سر کله خر مرده شاید یاسین خوانده باشد. گفت: یعنی چه سرکله خر مرده؟ گفتم: ملائی خری داشت، که از بی کاهی مرده بود. با خود گفت به این خر مظلوم کاه تهیه کرده نتوانستم، از گرسنگی مرد. من سر مرده صد آدم، یاسین خوانده ام، باید سر خر خود هم یاسین بخوانم. یک وقتی این سایت "افغان جرمن جرمن"، خر عبدالرحیم خان عزیز بود، به آنها نوشته می کرد، امروز "افغان جرمن" نویسنده ندارد، از بی کاهی مرده است. آقای عبدالرحیم عزیز سر خر مرده یاسین می خواند، او به من گفت:

که پس سر عبدالرحیم عزیز چیزی نوشته نمی کنید؟
فهمیدم که این مرد خیلی احمق است. گفتم: حرفهای مرا نفهمدی؟
گفت: نی.

خنده کرده گفتم: من هم سر کله خر یاسین خواندندم.
بعد مطلب را فهمید، گوشک را ماند و گم شد.